

حقوق بازرگانی

مفهوم حقوق

قبل از ورود به مباحث مربوط به حقوق بازرگانی شایسته است که تعاریف اولیه و ملزومات آن را ارائه نماییم. از حق تعاریف مختلفی به ذهن متبادر می شود اما آنچه که مد نظر ما در این مبحث می باشد تعریف حقوقی حق و حقوق می باشد، تعریف کامل اما مختصری که از حقوق ارائه شده: اعمال حاکمیت اراده است. اما برای جا افتادن ملموس آن می توان چنین گفت: حقوق جمع حق است و حق آن دسته از امتیازاتی است که جامعه به حکم قانون، قرارداد، عرف و عادات به اشخاص آن جامعه اعطاء کرده است و می بایست مورد احترام از سوی دیگران قرار گیرد.

حقوق در دو بخش داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می گیرد.

حقوق خارجی عبارت است از کلیه قوانین، مقررات، قراردادهای و عرف و عاداتی که حاکم بر روابط خارجی دولتها و اشخاص است اگر موضوع این مقررات دولتها باشند در این صورت «حقوق بین الملل عمومی» نام دارد، و اگر موضوع آن اتباع کشورهای مختلف باشند «حقوق بین الملل خصوصی» نام دارد.

حقوق داخلی به کلیه قوانین، مقررات و ضوابط و عرف عاداتی گفته می شود که حاکم بر قلمرو یک کشور معین و مشخصی است.

حقوق داخلی شامل موارد زیر است:

۱. حقوق عمومی :

منظور از حقوق عمومی آن رشته از رشته های حقوقی است که به نحوی از انحاء دولت در اجرای آن سهیم است و پای منافع عمومی در میان است مثل حقوق اساسی، حقوق کیفری، حقوق اداری و آیین دادرسی کیفری.

۲. حقوق خصوصی :

در حقیقت روابط خصوصی افراد را تحت نظم و قانون در می آورد. حقوق خصوصی شامل رشته های حقوق مدنی و حقوق بازرگانی می شود.

منظور از منابع حقوق چیست؟

برای قضاوت در مورد یک مساله حقوقی و احراز واقعیت، قاضی نمی تواند منحصرأ به متن قانون مربوطه مراجعه کند، او ملاحظات دیگری را هم در مد نظر می آورد که اصطلاحاً به مجموع این ملاحظات منابع حقوق می گویند.

منابع حقوق، طبیعتاً در هر رشته بر حسب مورد مختلف است در حقوق تجارت منابع حقوق به شرح زیر است:

متون قانونی

رویه قضایی

عرف و عادات تجاری

نظریه علمای حقوق

متون قانونی: برقرای نظم در جامعه مستلزم رعایت حقوق و انجام تکالیفی است که باید از قبل معین و مشخص شده باشد در غیر این صورت نمی توان از مردم انتظار داشت که رعایت حقوق دیگران را کرده و تکالیف خود را انجام دهند. بهترین وسیله برای تعیین حقوق و تکالیف مردم یک کشور وضع قانون و مقررات به وسیله مقامات قانونگذاری است .

رویه قضایی: ممکن است اکثر قضات در مورد بخصوصی دارای استنباط واحدی باشند به نحوی که در مورد مزبور دادگاهها نوعاً و عادتاً آرای مشابهی صادر کنند. در یک چنین موردی اصطلاحاً گفته می شود «رویه قضایی» به وجود آمده است .

عرف و عادت به طور کلی عبارت است از مجموع عادات و رسومی که نفعاً یا اثباتاً در یک جامعه، در یک گروه یا در یک منطقه در مورد خاصی معمول است و برخلاف آن عمل کردن به نحوی سرزنش یا عکس العمل دیگران را برمی انگیزد .

نظریه علمای حقوق (دکترین): حقوقدانان از متون قانونی و مسائل حقوقی برداشتها، تفسیرها و تجزیه تحلیلهای بخصوصی دارند که در کتب، مقالات و سخنرانیهای خود منعکس می کنند.

قضات در موقع صدور حکم گاهی، برای فهم و درک بهتر قانون، به این نظرات مراجعه کرده و از آن بهره می گیرند. به این ترتیب نظرات علمای حقوق، من غیر مستقیم و بدون اینکه قاضی در حکم خود به آن اشاره کنند، در نحوه صدور احکام ممکن است موثر باشد و بنابراین یکی از منابع حقوق به شمار می رود .

تاریخچه حقوق تجارت در ایران:

قانون تجارت در ایران بعد از مشروطیت بوجود آمده که از منابع فقهی و حقوقی اقتباس می کند اولین قانون تجارت ایران در سال ۱۳۲۹ بوجود آمد و در سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۴ به تصویب رسید. در ایران قبل از مشروطیت مقررات خاصی تحت عنوان تجارت وجود نداشت و امور تجارت تابع مقررات کلی شرعی بود. فقهای اسلام در کتب فقهی نیز تحت عنوان مکاسب و تجارت از مکاسب حلال و حرام بحث کرده اند ولی مباحثی که تجارت

جدید ایجاب می کرد در این کتب مورد بحث قرار نگرفته بود و این موضوع کاملاً طبیعی بود زیرا این مباحث ناشی از سیستم تجاری بود که در قدیم وجود نداشت. مع ذالک بعضی از فقهای ما درباره مسائل مستحدثه یعنی مسائلی که امروز در روابط تجاری معمول است مثل سرقتی، بیمه، اصول بانکی و غیره در آخر رساله خود مباحثی را اختصاص داده اند.

کشورها از نظر قانون تجارت به سه دسته تقسیم میشوند

۱. کشورهای رومی ژرمنی
۲. کشورهای لاتین (کامن لو)
۳. کشورهای که دارای قانون تجارت مستقل هستند

تاجر و معاملات تجاری

تاجر شخص است: «تاجر کسی است که ...» بهتر این بود مقنن به جای کلمه «کسی» در این ماده از کلمه «شخص» استفاده می کرد زیرا در اصطلاح حقوقی «شخص» است که دارای حقوق و تکالیف و مشمول عناوین حقوقی می گردد و در هر حال شخص اعم است از حقیقی و حقوقی زیرا طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت: «شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت - بنوت و امثال ذالک» و تجارت از جمله حقوقی نیست که انسان بالطبع ممکن است دارای آن باشد بلکه اشخاص حقوقی نیز می توانند به اعمال تجاری مبادرت ورزند.

تاجر کسی است که شغل معمولی خود را «معاملات تجاری» قرار دهد. منظور از معاملات تجاری معاملاتی است که در ماده ۲ قانون تجارت ذکر شده و موضوع بحث بعدی ما را تشکیل می دهد.

انواع معاملات تجاری

عملیات تجاری به اقداماتی گفته می شود که از نظر قانون معاملات تجاری محسوب می گردد و ما آنها را عملیات تجاری می نامیم. به طور کلی عملیات تجاری بر دو نوع هستند:

عملیات تجاری ذاتی

عملیات تجاری تبعی

اعمال تجاری ذاتی یا اصلی به طور مرتب در ماده ۲ قانون به شرح زیر آمده است. ماده چنین مقرر می دارد. معاملات تجاری از قرار ذیل است:

- ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
- ۳- هر قسم عملیات دلّالی یا حق العمل کاری (کمیسسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود.
- ۴- تاسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوایج شخصی نباشد.
- ۵- تصدی به عملیات حراجی
- ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاههای عمومی
- ۷- هر قسم عملیات صرافیه و بانکی
- ۸- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر و یا غیر تاجر باشد.
- ۹- عملیات بیمه بحری و غیر بحری
- ۱۰- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی و یا خارجی و معاملات راجع به آنها.

معاملات تجاری تبعی، برخلاف معاملات تجاری ذاتی یا اصلی، به خودی خود تجارتی محسوب نمی گردند بلکه به «تبع» تاجر بودن معامله کننده و به اعتبار اینکه تاجر آنها را انجام می دهد تجارتی محسوب می گردد. «معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می شود:

- ✓ کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.
- ✓ کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوایج تجارتی خود می نماید.
- ✓ کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می نماید.
- ✓ کلیه معاملات شرکتهای تجارتی».

تکالیف و وظایف تاجر

در قانون تجارت ایران شرایط خاصی برای تاجر بودن و اشتغال به تجارت پیش بینی نشده است مع ذالک به ملاحظات زیر باید در این مورد توجه کرد.

- با توجه به اینکه تجارت مستلزم یک سلسله عملیات حقوقی، تعهدات و قراردادهاست طبیعتاً تاجر باید طبق مقررات قانون مدنی دارای اهلیت باشد.

- اشتغال به بعضی از رشته های مخصوص تجارت، مثل داروسازی، مستلزم داشتن پروانه مخصوص است.

- تاجر دارای یک سلسله تکالیف خاصی است که از جمله آنها داشتن دفاتر تجاری و ثبت نام در دفتر ثبت تجاری است.

داشتن دفاتر تجاری مرتب و منظم دارای آثار مختلفی به شرح زیر است:

اولاً: معرف وضعیت تاجر از نظر میزان و نوع خرید و فروش، میزان سود و زیان و به طور کلی دارایی تاجر می باشد و تاجر همیشه می تواند با مراجعه به دفاتر خود، در صورتی که مرتب و منظم تنظیم شده باشند، از وضعیت دارایی خود باخبر شده و از ورشکستگی خود آگاه و تا حدودی از آن جلوگیری به عمل آورد.

ثانیاً: چون همیشه امکان تهیه اسناد و مدارک مربوط به معاملات تاجر بلافاصله بعد از وقوع وجود ندارد، ثبت معاملات در دفاتر تجاری می تواند دلیل وقوع و کیفیت و شرایط معاملات تاجر باشد، زیرا قانون به دفاتر تجاری تاجر، در صورتی که طبق ضوابط قانونی تنظیم شده باشد به نفع تاجر اعتبار داده است.

ثالثاً: کسانی که با تاجر معاملاتی داشته اند می توانند برای اثبات ادعای خود به دفاتر تاجر استناد کنند.

رابعاً: دفاتر تاجر از نظر مالیاتی نیز می تواند ملاک درآمد و در نتیجه مبنای تعیین مالیات بر درآمد قرار گیرد.

دفاتر تجاری

طبق ماده ۶ قانون تجارت «هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزات عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد:

دفتر روزنامه

دفتر کل

دفتر دارایی

دفتر کپیه .

دفتر روزنامه

طبق ماده ۷ قانون تجارت «دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسمی و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.»

دفتر کل

طبق ماده ۸ قانون تجارت «دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.»

دفتر دارایی

طبق ماده ۹ قانون تجارت: «دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید همه ساله صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضا نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین هر سال بعد انجام پذیرد.»

دفتر کپیه

طبق ماده ۱۰ قانون تجارت: «دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورتحسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.»

ثبت دفاتر تجاری

دفاتر تجاری از جمله دفاتر معمولی نیست و دارای یک سلسله آثار حقوقی مهم به شرح زیر است:

- این دفاتر اقرار کتبی به ضرر تاجر می تواند محسوب گردد.
- تاجر میتواند با شرایط خاصی از مندرجات دفاتر خود به نفع خود و به ضرر دیگران استفاده کند.
- دفاتر تاجر ممکن است از نظر ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تاجر مورد استناد قرار گیرد.
- مندرجات دفاتر تاجر اصولاً مبنای میزان درآمد و در نتیجه مالیات قرار می گیرد.

قانونگذار مقررات زیر را درباره دفاتر تجاری مقرر داشته است:

اولاً: طبق ماده ۱۱ قانون تجارت «دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثنای دفتر کپیه قبل از آنکه امضای مزبور لازم نیست، ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد.»

ثانیاً: طبق ماده ۱۲ قانون تجارت «دفتری که برای امضا به متصدی امضا تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضا مکلف است صفحات دفتر را شماره در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضا و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه می نماید منگنه کند لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود»

ثالثاً: به موجب ماده ۱۳ قانون تجارت کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود. تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفاتر را از ختم هر سال لااقل تا ده سال نگاه دارد».

اعتبار دفاتر تجاری

به طوری که ذکر شد قانون تجارت برای دفاتر تجاری، از نظر حقوقی، اعتبار خاصی قائل شده است مشروط بر اینکه این دفاتر طبق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشند. این اعتبار از دو نظر مورد توجه قرار گرفته است.

علیه تاجر

به نفع تاجر

علیه تاجر

آنچه را که تاجر در دفاتر خود ذکر اعم از اینکه مربوط به امور تجاری او باشد یا نباشد و چه در رابطه با تجار باشد یا غیر تاجر و اعم از اینکه دفتر او طبق مقررات تنظیم شده باشد یا نباشد در هر حال یک نوع اقرار است و اقرار کتبی دارای اعتبار بیشتری از اقرار شفاهی است و هر کسی می تواند از اقرار کتبی تاجر علیه او استفاده کند مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد.

به نفع تاجر

اعتبار مندرجات دفاتر تجاری علیه تاجر منطبق با یک اصل مسلم و کلی حقوقی یعنی اقرار است، اما اعتبار مندرجات دفتر تاجر به نفع خود، که در حقیقت یک ادعاست و باید ثابت گردد، یک اعتبار قانونی برخلاف اصول کلی مربوط به دلایل اثبات دعوی است.

در هر حال استفاده از مندرجات دفتر تاجر به نفع خود در صورتی معتبر است که دارای شرایط زیر باشد:

-دفاتر تاجر طبق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشد.

-دعوی بین تاجر باشد.

-دعوی مربوط به امور تجاری باشد.

-مندرجات دفتر طرف مقابل مندرجات دفتر طرف مدعی را انکار نکند.

الزام تجار به ارائه دفاتر به دادگاه و آثار آن

با توجه به اعتبار مندرجات دفاتر تجاری و اینکه هر تاجری می تواند برای اثبات ادعای خود به دفتر تجاری خود یا تاجر دیگر استناد کند بنابراین دفتر مورد استناد تاجر باید الزاماً به دادگاه ارائه شود تا دادگاه به تواند به صحت و سقم ادعای مدعی پی ببرد.

الزام به ارائه

ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «هرگاه یکی از طرفین به دفاتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود. در صورتی که ابزار دفاتر در دادگاه ممکن نباشد دادگاه کارمندی را مامور می نماید که با حضور طرفین دفاتر را معاینه و آنچه لازم است خارج نویسی نماید. هیچ بازرگانی نمی تواند به عذر نداشتن دفتر از ابزار و یا ارائه دفاتر خود امتناع کند مگر اینکه ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد»

ضمانت اجرای عدم ارائه

- در صورتی که به دفتر تاجری استناد شود و وی از ارائه آن امتناع کند ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی برای این تخلف یک ضمانت اجرایی به صورت اماره به این شرح مقرر داشته است: «هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است از ابزار دفاتر خود امتناع نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را نتواند ثابت کند دادگاه می تواند آن را از ادله مثبتة اظهارات طرف قرار دهد.»

موانع ارائه دفاتر

- ✓ مواردی هست که امکان ارائه دفاتر در دادگاه وجود دارد ولی ارائه آنها ضمن ایجاد امکان برای اثبات یا رد دعوی مصالح و منافع دیگری را که ارتباطی به دعوی ندارد به مخاطره می اندازد.
- ✓ ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی این موارد را نیز پیش بینی کرده است و مقرر می دارد: «هرگاه ابزار تمام یا قسمتی از سند یا اظهار علنی مفاد آن در دادگاه با منافع یکی از اصحاب دعوی یا شخص ثالثی منافی بوده و یا بر خلاف نظم یا منافع عمومی باشد دادرسی دادگاه یا کارمند علی البدل یا مدیر دفتر به تعیین دادگاه در حضور طرف یا طرفین آن سند را معاینه و فقط آنچه را لازم و راجع به مورد اختلاف است خارج نویسی می نماید.»

دفتر ثبت تجاری

یکی دیگر از الزاماتی که قانون به عهده تجار گذارده است ثبت نام آنان در دفتر ثبت تجاری است. منظور از دفتر ثبت تجاری دفتری است که در محل معینی قرار دارد و تجار، اعم از حقیقی یا حقوقی باید طبق مقررات نام خود را در این دفتر ثبت نمایند.

فایده دفتر ثبت تجاری

دفتر ثبت تجاری در بسیاری از کشورها وجود دارد و فایده آن به قرار زیر است:

- ✓ دلالت تاجر بودن
- ✓ اطلاع از تعداد و نوع فعالیت تجار
- ✓ اطلاع تاجر از وضع یکدیگر
- ✓ طبق ماده ۱۶۲ قانون مالیاتهای مستقیم
- ✓ اعطای بعضی امتیازات

الزام تاجر به ثبت در دفتر ثبت تجاری

ماده ۱۶ قانون تجارت مقرر می دارد «در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تاسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برساند و الا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.»

طبق ماده ۴ آیین نامه ثبت تجاری بازرگانان و بنگاههای بازرگانی و شرکتهای تجاری که به شغل بازرگانی اشتغال ورزیده یا تاسیس می شوند در ظرف یک ماه از تاریخ شروع به کار یا تاسیس مکلف اند اظهارنامه تنظیم و به دفتر ثبت تجاری تسلیم نمایند و طبق همان آیین نامه باید اظهارنامه در سه نسخه روی نمونه های چاپی مخصوصی که از متصدی دفتر ثبت تجاری محل گرفته می شود تنظیم و به همان دفتر تسلیم و رسید گرفته شود.

برابر ماده ۶ آیین نامه مذکور در اظهارنامه باید نکات زیر به ترتیبی که شماره گذاری شده نوشته شود:

۱. نام و نام خانوادگی بازرگان و رئیس بنگاه و مدیران شرکت و اسم تجارتخانه یا بنگاه یا شرکت.
۲. تاریخ و محل تولد و شماره شناسنامه و محل صدور آن.
۳. تابعیت اصلی و تابعیت فعلی در صورتی که تابعیت دیگری را تحصیل نموده باشد تاریخ و طرز تحصیل تابعیت ثانوی باید قید شود.
۴. تاریخ ورود به ایران و شماره و محل صدور پروانه اقامت (اگر اظهارکننده تبعه خارجه باشد).
۵. محل اقامت شخصی محل تجارتخانه
۶. میزان سرمایه در شرکتهای تجاری.
۷. شماره ثبت منگنه و پلمپ دفاتر تجاری که به موجب مواد ۶ و ۱۲ قانون تجارت به عمل آمده است.
۸. شماره تلفن، عنوان تلگرافی، کتاب رمز تجاری .

۹. رشته تجارت (تجارت داخلی یا تجارت خارجی)

۱۰. قید شماره ثبت علائم تجاری

تعریف شرکت

طبق ماده ۵۷۱ قانون مدنی: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو اشاعه»

اشاعه

- اشاعه عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو اشاعه، اکثراً بدون قصد انتفاع و تقسیم آن.

- اشاعه ممکن است قهری و غیرارادی باشد مثل اینکه مالی به ارث به چند نفر برسد در این صورت ورثه همگی نسبت به مال موروثی مالکیت مشاع دارند ولی این مالکیت ارادی نبوده است.

شرکتهای تجاری

« شرکت تجاری عبارت است از شرکتی که بین چند نفر برای امور تجاری به صورت یکی از شرکتهای مذکور در قانون تجارت تشکیل و دارای شخصیت حقوقی است.»

خصوصیات مهم شرکتهای تجاری که موجب تمیز آنها از شرکتهای مدنی است به شرح زیر است:

- ✓ شرکت باید به صورت یکی از شرکتهای تجاری قانون تجارت درآید.
- ✓ شرکتهای تجاری، برخلاف شرکتهای مدنی، دارای شخصیت حقوقی هستند.
- ✓ شرکتهای تجاری، در صورت عدم قدرت بر پرداخت دیون خود ورشکسته می شوند در حالی که شرکتهای مدنی مشمول ورشکستگی نیستند.

-شرکتهای تجاری، هر یک دارای خصوصیات مربوط به خود هستند و همین امر موجب تمیز هر یک از آنها از یکدیگر است.

شرایط اساسی شرکتهای تجاری

با توجه به اینکه برای تشکیل هر شرکت باید بین شرکا عقدی منعقد گردد و انعقاد هر نوع عقد تابع مقررات خاص و شرایط اساسی آن است علی هذا شرایط مذکور به شرح زیر باید در قرارداد شرکت رعایت شود.

قانون مدنی شرایط اساسی برای صحت هر قرارداد را به شرح زیر مقرر داشته است.

- ✓ قصد و رضای طرفین
- ✓ اهلیت
- ✓ معین بودن موضوع قرارداد
- ✓ مشروعیت موضوع قرارداد

شخصیت حقوقی

یکی از خصوصیات شرکتهای تجاری، برخلاف شرکتهای غیرتجاری، این است که شرکتهای مذکور دارای شخصیت حقوقی هستند.

تفاوت شخص حقوقی و حقیقی

از نظر فعالیتهای اجتماعی، دو نوع شخص وجود دارد شخص حقیقی و شخصی حقوقی. منظور از شخص حقیقی افراد انسانی است و منظور از «شخص حقوقی عبارت است از یک مفهوم تصنعی و اعتباری که به منظور تسهیل فعالیتهای اجتماعی برای بعضی از گروههای اجتماعی از طرف قانونگذار پیش بینی شده است.»

انواع اشخاص حقوقی و نحوه تشکیل آنها

اشخاص حقوقی بر دو نوع اند: اشخاص حقوقی حقوق عمومی، اشخاص حقوقی حقوق خصوصی. منظور از اشخاص حقوقی حقوق عمومی، اشخاصی هستند که از طرف دولت به وجود می آیند مثل تمام وزارتخانه ها، موسسات و سازمانهای دولتی.

شرکتهای تجاری

شرکتهای تجاری عبارت اند از شرکت هایی که به صورت یکی از شرکتهای هفتگانه مقرر در قانون تجارت تاسیس می گردند. این شرکتها پس از تشکیل طبق قانون تجارت دارای شخصیت حقوقی می شوند.

اقامتگاه و تابعیت اشخاص حقوقی

اقامتگاه از نظر حقوقی، عبارت است از محلی که طبق قانون فرض می شود شخص اکثراً و عادتاً در آنجا حضور دارند.

شرایط تابعیت شرکت ایرانی

شرکتی دارای تابعیت ایرانی بوده و ایرانی محسوب می گردد که:

➤ اولاً: طبق مقررات ایران، در ایران تشکیل شده باشد.

➤ ثانیاً: اقامتگاه او در ایران باشد.

➤ ثالثاً: مرکز اصلی آن نیز در ایران باشد.

انواع مختلف شرکتهای تجاری

قانون تجارت ایران در ماده ۲۰ شرکتهای تجاری را به هفت نوع به شرح زیر تقسیم کرده است.

۱. شرکت سهامی
۲. شرکت با مسئولیت محدود
۳. شرکت تضامنی
۴. شرکت مختلط غیرسهامی
۵. شرکت مختلط سهامی
۶. شرکت نسبی
۷. شرکت تعاونی تولید و مصرف

شرکتهای سهامی

شرکتهای سهامی از جمله مهمترین شرکتهای تجاری به حساب می آیند اهمیت این شرکتها از چند جهت است:

-اولاً - تعداد شرکا در این نوع شرکتها معمولاً زیاد است و در نتیجه از یک طرف در حالی که سرمایه هر یک از شرکا ممکن است به تنهایی قابل ملاحظه نباشد، با این حال سرمایه شرکت ممکن است به میزان خیلی زیاد و قابل توجه باشد.

-ثانیاً - مسئولیت شرکا محدود به سهامی است که در شرکت دارند و بیشتر از آن در مقابل طلبکاران مسئولیتی ندارند.

-ثالثاً - تمام اعمال و معاملاتی که انجام می دهند تجاری محسوب می شود.

شرکت سهامی

طبق ماده اصلاحی قانون تجارت سال ۱۳۴۷ «شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست»

در تعریف مندرج در ماده ۱ قانون تجارت از شرکت سهامی عناصر زیر قابل توجه است:

- مشارکت
- تقسیم سود
- مسئولیت

انواع شرکتهای سهامی

شرکتهای سهامی به دو نوع تقسیم می گردد:

- شرکتهای سهامی عام
- شرکتهای سهامی خاص.
- تشکیل شرکت سهامی عام

طبق ماده ۴ اصلاحی قانون تجارت «شرکت سهامی عام شرکتی است که مؤسسين آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند.»

برای تشکیل یک شرکت سهامی عام مقدماتی به شرح زیر لازم است:

-وجود تعدادی/افراد علاقمند

-تعهد و تامین حداقلی از سرمایه شرکت به وسیله مؤسسين

-مراجعه به اداره ثبت شرکتهای برای انجام امور مقدماتی تشکیل شرکت

انتشار اعلامیه پذیره نویسی

-به طوری که قبلاً یادآوری شد در شرکتهای سهامی عام مقداری از سرمایه به وسیله غیر مؤسسين تامین می گردد.

-طریق تامین این مقدار از سرمایه با انتشار اعلامیه پذیره نویسی انجام می گردد. پذیره نویسی عبارت است از تعهد پرداخت یک یا چند سهم از طرف افراد غیر مؤسس و پرداخت مبلغی از آن به صورت نقد.

در اعلامیه پذیره نویسی، طبق ماده ۹ (لایحه اصلاحی) باید موارد زیر درج گردد:

- نام شرکت.
- موضوع شرکت.
- مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تاسیس شعبه مورد نظر باشد.
- مدت شرکت.

- هویت کامل و اقامتگاه و شغل موسسین، ذکر تخصص یا اطلاعات آنان در امور شرکت به اختصار .
- میزان سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن و تعداد نوع سهام و مشخصات سهام غیرنقد.
- در صورتی که موسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا.
- تعیین مقداری از سرمایه که موسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده اند .
- ذکر هزینه هایی که موسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت پرداخت کرده اند و برآورد هزینه های لازم تا شروع فعالیت شرکت.
- در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجاره نامه یا موافقت اصولی آن مرجع.
- ذکر حداقل سهامی که هنگام پذیره نویسی باید توسط پذیره نویس تعهد و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره نویسی نقداً پرداخت گردد .
- ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که اشخاص ذیعلاقه می توانند برای پذیره نویسی و پرداخت مبلغ نقدی به بانک مراجعه کنند.
- تصریح به اینکه اظهارنامه موسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است.
- ذکر نام روزنامه کثراانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی موسس منحصرأ در آن منتشر خواهد شد.
- چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان.

مجمع عمومی موسس

مجمع عمومی موسس یکی از مجامع عمومی شرکتهای سهامی است که از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می گردد.

چگونگی تشکیل مجمع

- - مجمع عمومی موسس در حقیقت یک بار بیشتر تشکیل نمی گردد و بعد از انجام وظایف خود منحل گردیده و دیگر تشکیل نمی گردد.
- - طبق ماده ۱۶ لایحه اصلاحی، پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت تعهد و حداقل ۳۵٪ آن پرداخت شده است، موسسین ضمن تعیین و اعلام تعداد سهام هر یک تعهدکنندگان، مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند کرد.

وظایف مجمع عمومی موسس

طبق ماده ۷۳ قانون تجارت وظایف مجمع عمومی موسس به شرح زیر است:

-رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیۀ مبالغ لازم.

-تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن.

-انتخاب اولین مدیران و بازررس یا بازرسان شرکت.

-تعیین روزنامه کثرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

-قبول آورده های غیرنقدی.

اساسنامه

طبق ماده ۸ قانون تجارت اساسنامه شرکتهای سهامی باید با قید تاریخ به امضای موسسین رسیده و مشتمل بر موارد زیر باشد:

- نام شرکت
- موضوع شرکت به طور صریح و منجز.
- مدت شرکت.
- مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد .
- مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیرنقد آن به تفکیک.
- تعداد سهام بی نام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام.
- تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که به هر حال از پنجسال متجاوز نخواهد بود.
- نحوه انتقال سهام با نام.
- طریقه تبدیل سهام با نام و به سهام بی نام و بالعکس .
- در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه، ذکر شرایط و ترتیب آن.
- شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.
- مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی.
- مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.
- طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی .

- تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفا می کنند یا محجور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می گردند.
- تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.
- تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.
- قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس .
- تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.
- نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.
- نحوه تغییر اساسنامه.

نام شرکت

مسائل زیر باید در مورد نام تجارتي شرکت سهامی ملحوظ گردد:

- -الزام در انتخاب نام
- -آزادی در انتخاب نوع نام

مرکز اصلی شرکت

در بند ۴ ماده ۸ و بند ۳ ماده ۹ قانون تجارت (به ترتیب در مورد مندرجات اساسنامه و اعلامیه پذیره نویسی) به ترتیب زیر اشاره به لزوم ذکر مرکز اصلی شرکت شده است. «مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد.»

موضوع شرکت

موضوع شرکت عبارت است از عنصر اصلی شرکت یعنی هدف و چیزی که شرکت به خاطر انجام آن تشکیل شده است.

موضوع شرکت می تواند به طور کلی (مثلاً خرید و فروش و لوازم خانگی) و تجارت کالای مخصوصی مثلاً خرید و فروش پنبه باشد ولی باید دارای شرایط زیر باشد:

-موضوع شرکت نوعاً چیزهایی است که به نحوی با هم ارتباط دارد مثلاً موضوع شرکت تجارتي نوعاً و معمولاً نباید خرید و فروش آهن آلات و پارچه با هم باشد.

-موضوع شرکت به صراحت بند ۲ ماده ۸ قانون تجارت باید «صریح و منجز» باشد.

-موضوع شرکت باید مشروع بوده متضمن منفعت عقلایی باشد.

مدت شرکت

یکی از مسائلی که در اساسنامه شرکت باید ذکر گردد مدت شرکت است. مدت شرکت ممکن است محدود یا نامحدود باشد. موقعی مدت شرکت محدود است که برای مدت معینی مثلاً پنجسال یا ده سال است در غیر این صورت مدت شرکت نامحدود است.

سرمایه شرکت

با توجه به اینکه شرکتهای تجارتی اصولاً به منظور انتفاع و بردن سود تشکیل می گردند بنابراین سرمایه یکی از لوازم اساسی و ضروری آن به شمار می رود و بدون سرمایه هیچ شرکت تجارتی تشکیل نمی گردد. به همین دلیل اهمیت شرکتهای تجارتی به میزان سرمایه آن است و هر چقدر سرمایه بیشتر باشد شرکت دارای اعتبار بیشتری است .

مسائل مختلف مربوط به سرمایه را در شرکتهای سهامی به شرح زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

- -میزان سرمایه
- -تقسیم سرمایه
- -نحوه پرداخت سرمایه

تقسیم سرمایه

یکی از خصوصیات شرکتهای سهامی این است که در این شرکتها، سرمایه باید به سهام مساوی تقسیم گردد بنابراین در این شرکتها سهم الشرکه، بدون اینکه به صورت سهام مساوی القیمت درآید وجود ندارد.

نحوه پرداخت سرمایه

در شرکتهای سهامی قانون برای پرداخت سرمایه مقررات خاصی پیش بینی کرده است به شرح زیر:

الف - تعهد سرمایه

شرکا مکلف نیستند تمام سرمایه را نقداً در موقع تاسیس شرکت بپردازند بلکه تمام سرمایه شرکت باید در موقع تاسیس تعهد گردد و مبلغی از آن نقداً پرداخت گردد. میزان و مدت پرداخت قسمت پرداخت نشده در اساسنامه تعیین می گردد ولی طبق قانون تجارت این مدت از پنجسال نباید تجاوز کند.

ب - پرداخت نقدی

کل سرمایه باید توسط شرکا تعهد ولی قسمتی از آن نقداً تأدیه گردد. تعیین میزان نقدی در اساسنامه شرکت پیش بینی می گردد ولی این مبلغ نباید کمتر از ۳۵٪ کل سرمایه باشد.

سرمایه احتیاطی یا اندوخته قانونی

طبق قانون تجارت هیئت مدیره هر شرکت سهامی مکلف است یک سیستم (معادل ۵٪) سود خالص خود را در حساب مخصوصی ذخیره کند و این اقدام تا زمانی که سرمایه احتیاطی معادل ۱۰٪ از کل سرمایه شرکت برسد اجباری است و از آن پس اختیاری خواهد شد.

تغییرات سرمایه

افزایش یا کاهش سرمایه تابع تشریفات و مقدمات خاصی است که هر یک را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

افزایش سرمایه

در صورتی که یک شرکت سهامی تصمیم به افزایش سرمایه خود داشته باشد باید نکات زیر را مد نظر داشته باشد:

اولاً: افزایش سرمایه در صورتی امکان پذیر است که تمام سرمایه تعهد شده شرکت پرداخت شده باشد و الا اگر هنوز تمام سرمایه شرکت به وسیله شرکا پرداخت نشده شرکت نیاز به افزایش سرمایه خود ندارد.

ثانیاً: افزایش سرمایه به دو صورت ممکن است انجام گردد یا قیمت اسمی هر سهم افزوده گردد.

ثالثاً: افزایش سرمایه به پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب مجمع عمومی فوق العاده انجام می گردد. پیشنهاد هیئت مدیره باید متضمن گزارش توجیهی هیئت مدیره درباره افزایش سرمایه همراه با اظهار نظر بازرس یا بازرسان شرکت در این مورد باشد.

مجمع عمومی فوق العاده می تواند این حق را به هیئت مدیره تفویض کند .

رابعاً: پس از اتخاذ تصمیم در مورد افزایش سرمایه مراتب باید در روزنامه کثیرالانتشار منتخب شرکت آگهی شود.

خامساً: در صورتی که افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید به عمل آید و سهام جدید به مبلغی بیشتر از قیمت اسمی آن به فروش برسد

اضافه ارزشی که از این بابت نصیب شرکت می گردد ممکن است طبق ماده ۱۶۰ به صورت زیر مصرف شود:

-به اندوخته قانونی منتقل گردد.

-نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم گردد.

-به ازای آن سهام جدید صادر و به صاحبان سهام سابق داده شود.

کاهش سرمایه

ممکن است بعد از تشکیل شرکت موجباتی فراهم گردد که دیگر لزومی برای حفظ همه سرمایه اولیه شرکت به نظر نرسد در این صورت شرکت اقدام به کاهش سرمایه خود می کند.

کاهش اجباری

کاهش اجباری سرمایه وقتی پیش می آید که سرمایه شرکت در اثر زیانهای وارده نصف یا از نصف کمتر می شود در این صورت هیئت مدیره باید بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده را دعوت کند.

کاهش اختیاری طبق ماده ۱۸۹: «علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکور در ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند به پیشنهاد هیئت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت به طور اختیاری اتخاذ تصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد.»

شرایط کاهش اختیاری سرمایه

کاهش اختیاری سرمایه مستلزم دو نوع شرط است: شرایط اساسی و شرایط صوری و تشریفاتی.

1-شرایط اساسی: کاهش سرمایه اختیاری در صورتی امکان پذیر است که طبق ماده ۱۸۹:

اولاً: به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نیاورد. (یعنی هر تصمیمی در مورد کاهش گرفته می شود نسبت به همه سهامداران به طور مساوی اعمال گردد).

ثانیاً: سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ قانون تجارت کمتر نگردد:

ثالثاً: طبق تبصره ماده ۱۸۹، کاهش اختیاری سرمایه، برخلاف کاهش اجباری، فقط از طریق کاهش بهای اسمی سهام انجام می پذیرد .

2-شرایط تشریفاتی: پیش بینی این شرایط بیشتر برای حفظ حقوق اشخاص ثالث و طلبکاران شرکت است

زیرا با توجه به محدودیت مسئولیت شرکا در شرکتهای سهامی به میزان آورده آنها در شرکت (یعنی فقط به میزان سرمایه) ممکن است سرمایه شرکت کاهش یابد و مردم از آن بی اطلاع بمانند.

قانون کاهش اختیاری سرمایه را منوط به شرایط تشریفاتی زیر کرده است:

اولاً: پیشنهاد کاهش سرمایه از طرف هیئت مدیره همراه با گزارش توجیهی آن (علت درخواست کاهش سرمایه) و گزارشی از وضعیت مالی شرکت از ابتدای سال مالی که مجمع عمومی ترازنامه آن را تصویب کرده است، ۴۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده ای که کاهش سرمایه در دستور جلسه آن قرار گرفته است، در اختیار بازرسان قرار گیرد.

ثانیاً: بازرسان باید بعد از دریافت تقاضای هیئت مدیره به همراه گزارشات مربوطه آن را مطالعه و دقیقاً مورد بررسی قرار داده و نظر خود را نفیاً یا اثباتاً به مجمع عمومی فوق العاده اعلام نمایند.

ثالثاً: مجمع عمومی فوق العاده پس از بررسی پیشنهاد هیئت مدیره و نظرات بازرس یا بازرسان شرکت در مورد کاهش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند. چنانچه مجمع پیشنهاد را بپذیرد و تصمیم به کاهش سرمایه بگیرد در این صورت حداکثر ظرف یکماه از تاریخ اتخاذ تصمیم باید در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار منتخب شرکت، موضوع کاهش درج گردد.

رابعاً: پس از انتشار آگهی هر شخص ذینفع، مثل دارندگان اوراق قرضه یا بستانکاران، که منشأ طلب آنها قبل از انتشار آگهی باشد (یعنی معامله، یا قرارداد یا هر عملی که منشأ مطالبات آنها است قبل از انتشار آگهی باشد، زیرا بعد از انتشار آگهی دلیلی بر ادعای عدم اطلاع از میزان واقعی سرمایه شرکت وجود ندارد) می تواند ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار آخرین آگهی (تاریخ روزنامه رسمی یا کثیرالانتشار) اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه تقدیم دادگاه کند.

خامساً: در صورتی که دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد، در این صورت یا شرکت باید برای پرداخت طلب طلبکار در موعد مقرر وثیقه بدهد و یا در غیر این صورت باید طلب طلبکاران را که اگر مؤجل (مدت دار) باشد به صورت «حال» درآمده و شرکت موظف به پرداخت آن است.

تعریف سهم

قانون تجارت در ماده ۲۴ از سهم به شرح زیر تعریف کرده است: «سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد

مشخصات سهم

یکی از مشخصات سهم در شرکتهای سهامی «تشریفاتی» بودن سهم است. منظور از تشریفاتی بودن این است که سهم باید اولاً به صورت ورقه چاپی درآید، ثانیاً این ورقه چاپی باید دارای مندرجات خاصی باشد در غیر این صورت اعتبار ندارد.

ماده ۲۶ همان قانون مقرر می دارد: «در ورقه سهم نکات زیر باید قید شود:

- نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها.
- مبلغ سرمایه ثبت شده مقدار پرداخت شده آن.
- تعیین نوع سهم.
- مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و به اعداد.
- تعداد سهامی که هر ورقه نماینده آن است.»

انواع سهم

سهام دارای انواع مختلفی به شرح زیر است: سهم با نام، سهم بی نام، سهم عادی، سهم ممتاز، سهم نقدی، سهم غیرنقدی، سهم انتفاعی و سهم مؤسس که هر یک از آنها را به شرح زیر مورد بررسی قرار می دهیم.

سهم با نام و سهم بی نام

سهم بی نام عبارت است از سهمی که مشخصات صاحب سهم روی آن منعکس نیست و در حکم اسناد در وجه حامل است. سهم با نام عبارت است از سهمی که مشخصات صاحب آن روی سهم منعکس است.

انتقال سهم بی نام

همان طور که گفته شد سهم بی نام در حکم اسناد و در وجه حامل است مثل چک، سفته و برات در وجه حامل. این گونه اسناد از نظر مالکیت مثل اسکناس هستند یعنی نزد هر کسی یافت شود متعلق به همان اشخاص محسوب می گردد مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. (مثلاً ثابت شود که سند مفقود یا سرقت شده و یا به وسایل دیگری مثل کلاهبرداری به دست دیگری افتاده است).

انتقال سهم با نام

انتقال سهام با نام، برعکس، مستلزم ثبت در دفتر ثبت سهام شرکت است و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضا کند.

سهم عادی و سهم ممتاز

اگر علاوه بر سودی که به طور عادی و مساوی به همه سهام تعلق می گیرد، امتیاز دیگری برای بعضی از سهام در نظر گرفته نشده باشد در این صورت سهم عادی است. برعکس اگر امتیازات خاصی به سهم تعلق بگیرد در این صورت سهم را ممتاز گویند.

فلسفه ایجاد سهام ممتاز

تاسیس سهام ممتاز در شرکتهای سهامی دلایل مختلفی دارد ولی به طور کلی می توان گفت که هرگاه شرکت برای جذب امتیاز بخصوصی که برای شرکت اساسی و ضروری به نظر می رسد مواجه با مشکلی باشد به منظور تسهیل جذب آن اقدام به صدور سهام ممتاز می کند

تعریف سهم ممتاز

سهام ممتاز عبارت اند از سهامی که طبق اساسنامه یا تصویب مجمع عمومی فوق العاده، نسبت به سایر سهام دارای امتیاز خاصی باشند. مثلاً امتیاز بعضی از سهام ممکن است دریافت شود بیشتر یا حق رای بیشتر در مجامع عمومی نسبت به سهام عادی باشد یا اینکه ممکن است امتیاز این گونه سهام این باشد که در هنگام انحلال شرکت بدو مبلغ اسمی سهام ممتاز پرداخت گردیده و سپس سایر سهام.

مقام تصویب کننده امتیاز

امتیازاتی که برای سهام ممتاز در نظر گرفته می شود باید یا به موجب اساسنامه پیش بینی شود و یا اینکه به وسیله مجمع عمومی فوق العاده تصویب گردد. به موجب ماده ۴۲ «هر شرکت سهامی می تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید به طور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف به علاوه یک این گونه سهام انجام گیرد.»

سهم انتفاعی و سهم مؤسس

سهام انتفاعی به این معنی که دارندگان این گونه سهام در سود شرکت در طول مدت شرکت سهیم هستند ولی در خاتمه مدت دارایی شرکت متعلق به دولت است (در حالی که در مورد سایر سهام بعد از انحلال شرکت دارایی شرکت باید به نسبت سهام آنها بین آنان تقسیم گردد).

قیمت سهم

سهام در شرکتهای سهامی معمولاً دارای دو نوع قیمت است: قیمت اسمی و قیمت تجارتي. منظور از قیمت اسمی قیمتی است که طبق اساسنامه شرکت در موقع تشکیل شرکت برای هر سهم در نظر گرفته شده و این قیمت روی خود سهم نیز درج گردیده و صاحب سهم آن را پرداخته و یا قسمتی را پرداخته و بقیه را تعهد کرده است و مجموع قیمت اسمی سهام هر شرکت سهامی در حقیقت معرف سرمایه آن شرکت است. افزایش سرمایه و کاهش سرمایه همیشه مربوط به قیمت اسمی سهام است.

تبدیل سهام

بعد از تشکیل شرکت گاهی مصالحی ایجاب می کند که سهام بی نام شرکت تبدیل به سهام با نام و یا بالعکس سهام با نام آن تبدیل به سهام بی نام شود. در این صورت برای تبدیل هر یک از سهام به دیگری شرکت باید مطابق مقررات مواد ۴۳ الی ۵۰ قانون تجارت و در هر حال یا به موجب اساسنامه شرکت و یا تصویب مجمع عمومی فوق العاده عمل کند:

تبدیل سهام بی نام به سهام با نام

تبدیل سهام بی نام به سهام با نام از نظر تشریفات کمی مشکلتز است زیرا دارندگان سهام بی نام معین و مشخص نیستند و دعوت آنها طبیعتاً مواجه با محظوراتی است به همین دلیل قانون تبدیل این گونه سهام را به سهام با نام توأم با تشریفات بیشتری قرار داده است.

تبدیل سهام با نام به بی نام

همان طور که گفته شد تشریفات تبدیل سهام با نام به بی نام ساده تر است. علی هذا طبق ماده ۴۷، مراتب فقط یک بار در روزنامه کثیرالانتشار شرکت آگهی و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد تعیین می گردد. پس از انقضای مهلت مذکور برابر آن سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری می گردد تا هر موقع صاحبان آن مراجعه کردند سهام با نام آنان اخذ و ابطال و برابر تعداد آن سهم بی نام به آنان تحویل گردد.

اوراق قرضه

طبق ماده ۵۲ لایحه اصلاحی، «ورقه قرضه ورقه قابل معامله ای است که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزای آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد.»

تعریف شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۹۴ قانون تجارت شرکت با مسئولیت محدود را به این شرح تعریف کرده است: «شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکا بدون اینکه سرمایه به سهام و یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات است.»

تشکیل شرکت با مسئولیت محدود

در قانون تجارت صراحتاً در مورد تشکیل شرکت با مسئولیت محدود شرایط خاصی منحصرأ در یک ماده پیش بینی نگردیده است مع ذالک از مجموع مواد ۹۶ و ۹۷ و ۱۰۰ قانون مذکور می توان شرایط تشکیل این شرکت را به شرح زیر استنباط کرد.

- پرداخت تمام سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی طبق ماده ۹۶ : شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

- - تنظیم و امضای شرکتنامه
- - تصریح بهای تقویم شده سهم الشرکه غیر نقدی در شرکتنامه
- سرمایه
- - سرمایه در شرکتهای با مسئولیت محدود دارای خصوصیات زیر است:
- - سرمایه به سهام مساوی تقسیم نمی گردد.
- - تمام سرمایه نقدی باید تأدیه گردد.
- - سرمایه غیر نقدی تقویم و تسلیم می شود.

تعداد مدیران

مدیران در شرکتهای با مسئولیت محدود ، حد معینی ندارد بر حسب تعداد شرکا و نیاز آنها، در اختیار شرکاست.

انحلال شرکت

طبق ماده ۱۱۴ قانون تجارت شرکت با مسئولیت محدود در موارد زیر منحل میگردد:

- - وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده انجام داده یا انجام آن غیر ممکن باشد.
- - وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.
- - در صورتی که شرکت ورشکست شود.
- - در صورت تصمیم عده ای از شرکا که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه باشد.

تقسیم سود و زیان

- - در شرکتهای با مسئولیت محدود، اصولاً تقسیم سود و زیان، مانند تمام شرکتهای تجاری به نسبت آورده هر شریک است مگر اینکه شرط خلاف شده باشد.
- - با این حال در صورت ورشکستگی، هر یک از شرکا فقط تا میزان آورده خود در شرکت مسئولیت پرداخت قروض شرکت را به عهده دارند شرط خلاف آن نیز معتبر نیست

تعریف شرکت تضامنی

طبق ماده ۱۱۶ قانون تجارت « شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امر و تجارتی بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود، اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است»

تشکیل شرکت تضامنی

طبق ماده ۱۱۸ قانون تجارت: « شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد»

اداره شرکت تضامنی

➤ ماده ۱۲۰: در شرکت تضامنی شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا خارج به سمت مدیر معین نمایند.

➤ ماده ۱۲۱: حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ وکیل در مقابل موکل دارد.

نحوه اداره

بر خلاف شرکتهای سهامی، در شرکتهای تضامنی لزومی ندارد که مدیران به تعداد معینی باشند. حتی همان طور که در ماده ۱۲۰ ذکر شده، با یک نفر مدیر هم شرکت تضامنی را می توان اداره کرد. همچنین مدیر شرکت تضامنی را از خارج شرکت نیز می توان انتخاب کرد.

نحوه کلی تقسیم سود و زیان

طبق ماده ۱۱۹ قانون تجارت اصولاً در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم الشرکه بین شرکا تقسیم می گردد. و طبق ماده ۱۲۴ نیز در روابط بین شرکا مسئولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود. این قاعده کلی و اصولی منحصر به شرکتهای تضامنی نیست و در کلیه شرکتهای تجاری تقسیم سود و زیان به نسبت سرمایه است.

شخصیت شرکا در شرکتهای تضامنی

منظور از شخصیت شرکاء در این قسمت، شخصیت اقتصادی شرکاست که می تواند ضامن پرداخت بدهی های احتمالی شرکت ، علاوه بر سرمایه باشد. در شرکتهای تضامنی شخصیت شرکاء در ارتباط با مسائل مختلف شرکت دارای اهمیت خاصی است که به شرح زیر به آنها می پردازیم.

ورشکستگی شریک

طبق ماده ۱۳۱: « در صورت ورشکستگی یکی از شرکا و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکا به موجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکا می توانند سهم آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تادیه کرده و او را از شرکت اخراج کنند. »

فسخ شرکت تضامنی

طبق ماده ۱۳۷ قانون تجارت در صورتی شریک می تواند از حق فسخ خود استفاده کند که شرایط زیر جمع باشد:

- - در اساسنامه شرکت این حق از شرکا سلب نشده باشد.
- - تقاضای فسخ به قصد اضرار از سایر شرکا نباشد.
- - از تاریخ تقاضای فسخ شش ماه گذشته باشد.
- - اگر موافق اساسنامه سال به سال به حساب شرکت رسیدگی می شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل آمده باشد.

تعریف شرکت نسبی

طبق ماده ۱۸۳: شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته شده. نکته عمده در تعریف شرکت نسبی مسئولیت شرکا در مقابل طلبکاران احتمالی شرکت است.

شرکت نسبی مانند شرکت تضامنی ، جزو شرکتهای شخص محسوب می گردد زیرا هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه خود در شرکت، ضامن پرداخت قروض شرکت می باشند و اگر سرمایه شرکت جوابگوی بدهیهای آن نباشد طلبکاران به نسبت سرمایه هر شریک در شرکت حق مراجعه به دارایی شخصی شرکا را نیز دارند.

مشخصات اختصاصی شرکتهای نسبی

نام شرکت

- در نام شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) باید ذکر گردد و لااقل نام یکی از شرکا نیز ذکر گردیده و از بقیه شرکا با عبارتی مثل (وشرکا) یا (و برادران) یاد می‌گردد.

مسئولیت شریک جدید

- در صورتی که شریک جدیدی وارد شرکت شود باز هم به نسبت سرمایه خود مسئول پرداخت قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته است.

شرکتهای مختلط

شرکتهای مختلط شرکتهایی هستند که نوعاً مرکب از یک یا چند شریک ضامن و شرکای غیر ضامن هستند

علت تشکیل شرکتهای مختلط

علت تشکیل این شرکتها وجود دو نوع شریک با مسئولیتهای مختلف است، که به دلایل مختلف تمایل به همکاری در یک شرکت تجاری دارند. مثلاً شخصی تصمیم به تشکیل یک شرکت تجاری دارد که از یک طرف میل دارد شخصاً شرکت را اداره کرده و دیگران دخالت موثری در اداره امور شرکت نداشته باشند و از طرف دیگر نیاز به سرمایه دارد.

انواع شرکتهای مختلط

- - شرکتهای مختلط غیر سهامی
- - شرکتهای مختلط سهامی.

تعریف شرکتهای غیر سهامی

طبق ماده ۱۴۱ شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری، در تحت اسم مخصوص بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌گردد...

حقوق و تعهدات شرکای با مسئولیت محدود

در شرکت مختلط غیر سهامی شرکای با مسئولیت محدود تابع مقررات زیر هستند:

- همان طور که در تعریف این شرکت تصریح شد، شرکای با مسئولیت محدود فقط تا میزان سرمایه خود مسئول پرداخت بدهی های شرکت هستند و بیش از آن مسئولیتی ندارند. بنابراین در هر مورد که مسئولیتی برای شرکای مزبور در مقابل طلبکاران در نظر گرفته شده تا حد سرمایه آنان در شرکت است.

- اصولاً شرکا مسئول قروض گذشته شرکت نیستند با این حال طبق ماده ۱۵۵ شریک با مسئولیت محدود که وارد شرکت مختلط غیر سهامی موجودی می گردد تا حدود سهم الشرکه خود مسئول قروض قبل از ورود خود در شرکت نیز خواهد بود شرط خلاف نسبت به اشخاص ثالث معتبر نیست.

- اداره شرکت نه تکلیف و نه حق شرکای با مسئولیت محدود است، با این حال شرکای مزبور حق نظارت بر شرکت را دارند.

- شریک با مسئولیت محدود حق انتقال سهم الشرکه خود را بدون رضایت سایر شرکا به شخص ثالث ندارد ولی می تواند حق خود را نسبت به سهم الشرکه خود به دیگری واگذار کند در این صورت شخص مزبور حق دخالت و نظارت در امور شرکت را ندارد.

شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهامی، مانند شرکت مختلط غیر سهامی، شرکتی است که از یک عده شرکای ضامن و شرکای غیر ضامن تشکیل می گردد، ولی در این شرکتها به جای شرکای با مسئولیت محدود، شرکای سهامی وجود دارند.

تشکیل شرکت مختلط سهامی

در حالی که مقررات مربوط به شرکتهای مختلط غیر سهامی این نوع شرکتها را بیشتر تابع شرکتهای تضامنی قرار داده، مقررات مربوط به شرکتهای مختلط سهامی این شرکتها را تابع شرکتهای سهامی قرار داده است.

حقوق و تعهدات شرکای ضامن

- به طوریکه قبلاً گفته شد اصولاً شرکای ضامن، در شرکت مختلط سهامی، تابع مقررات شرکت تضامنی هستند با این حال موارد خاصی ضمن مقررات شرکت مختلط سهامی در مورد شرکای ضامن، پیش بینی شده است.

- شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و شریک یا شرکای ضامن در مقابل طلب طلبکاران در صورتی که طلب آنان بیشتر از دارایی شرکت باشد، مسئولیت نامحدود تضامنی دارند.

حقوق و تعهدات شرکای سهامی

شرکای سهامی در شرکتهای مختلط سهامی دارای حقوق و تکالیفی به شرح زیر هستند:

➤ - شریک سهامی فقط تا میزان سرمایه خود مسئول قروض شرکت هستند.

- - در اسم شرکت نباید نام هیچیک از شرکای سهامی قید گردد.
- - اداره شرکت نه حق و نه تکلیف شرکای سهامی است ولی با این همه از طریق هیئت نظارت می‌توانند نسبت به عملکرد شرکت نظارت داشته باشند.
- - شرکای سهامی حق شرکت در مجامع عمومی و شرکت در رای گیری در حدود صلاحیت مجامع را دارند.

انحلال

شرکت مختلط سهامی در موارد زیر منحل می گردد.

- - انجام مقصود شرکت یا غیر ممکن شدن آن
- - انقضای مدت
- - ورشکستگی
- - تصمیم مجمع عمومی (در صورت تصریح به آن در اساسنامه)
- - تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن

شرکتهای تعاونی

شرکتهای تعاونی در حقیقت به منظور مبارزه با دو عامل اساسی اجتماعی تشکیل گردیده اند: سودجویی سرمایه داران و تورم.

تعریف شرکتهای تعاونی

تعریف: طبق ماده ۲ قانون شرکتهای تعاونی: شرکت تعاونی شرکتی است مرکب از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندیهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق خود یاری و کمک متقابل و همکاری آنان موافق اصولی که در این قانون مصرح است تشکیل می شود.

ویژگیهای شرکتهای تعاونی

- - حداقل اعضای یک شرکت تعاونی از هفت نفر نباید کمتر باشد.
- - هریک از اعضا حداقل باید دارای یک سهم باشند و تمام قیمت اسمی سهم خود را نقداً بپردازند ولی تعداد سهام هر عضو نباید از یک هفتم کل سرمایه بیشتر باشد. ضمناً خرید سهام ممکن است به اقساط باشد.

- - هریک از اعضا در مجمع عمومی ، دارای هر تعداد سهام که باشد، بیشتر از یک رای ندارد.
- - برای حضور در مجمع عمومی می توان به دیگری وکالت داد ولی هر کس بیشتر از سه وکالت نمی تواند قبول کند.
- - انتقال سهم به غیر عضو ممنوع است.

اسناد تجاری

سند، طبق قانون مدنی عبارت است از هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. منظور از اسناد تجاری اسناد عادی است که در امور معاملات و نوعاً تجاری به کار می رود و هر چند غیر تاجر هم از آن استفاده می کند . قانون تجارت از بین این اسناد، با لحاظ اهمیت، فقط از برات، سفته و چک نام برده و مقررات حاکم بر آنها را تنظیم کرده است بقیه اسناد مشمول مقررات مربوط به خود و عرف و عادی تجاری می باشند.

اسناد تجاری در عالم تجارت دارای قواعدی است که می توان از جمله آنها به موارد زیر اشاره کرد:

- -جانشینی پول نقد
- -وسیله اعتبار
- -جلوگیری از جابجایی

برات

-قانون تجارت برات را تعریف نکرده ولی با توجه به مقررات و عرف حاکم بر برات می توان آن را به شرح زیر تعریف کرد:

برات عبارت است از سندی که به موجب آن شخصی به دیگری دستور می دهد مبلغ معینی را در وجه شخص معین یا حامل یا به حواله کرد آن شخص، به رویت یا در موعد معین بپردازد.

-کسی که برات را صادر می کند«براتکش» کسی که برات در وجه اوست «دارنده برات» و کسی که باید برات را بپردازد براتگیر نامیده می شود.

شرایط برات و آثار آن

- -مهر یا امضا
- -قید کلمه برات در روی ورقه

- -تاریخ تحریر
- -اسم شخصی که باید برات را تادیه کند
- -تعیین مبلغ برات

قبول و نکول

یکی از خصوصیات مهم برات، و اختلاف اساسی آن با سفته و چک، مساله قبول و نکول براتگیر (محال علیه) است.

قبول

طبق ماده ۲۳۵ : «برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود». موضوع قبول برات اصولاً مهلتی ندارد و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پس از ارائه باید قبول و یا نکول شود.

نکول

منظور از نکول تصریح به عدم تعهد پرداخت وجه برات از طرف محال علیه است

سفته

ماده ۳۰۷ از سفته به شرح زیر تعریف کرده است : «فته طلب سندی است که به موجب آن امضا کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.»

چک

چک از جمله اسنادی است که برخلاف برات و سفته، که موارد استعمال محدودی دارند، یک سند نقل و انتقال پولی همگانی است. به همین دلیل، علاوه بر مقررات حقوقی مندرج در قانون تجارت، به علت سهولت امکان سوء استفاده به وسیله آن، مشمول مقررات جزایی نیز شده است.

تعریف چک

طبق ماده ۳۱۰ قانون تجارت : «چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید.»

چکهای مشمول قانون

به موجب ماده ۱ قانون : «انواع چک عبارت است از:

چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانکهها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد.

چک تایید شده، چکی است که اشخاص عهده بانکهها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید می شود.

چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود.

چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد».

چک بی محل

طبق ماده ۳ قانون : «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه وجه نقد (با اعتبار قابل استفاده) داشته باشد ...» در موارد زیر چک در حکم بی محل خواهد بود.

-در صورتی که چک در تاریخ صدور دارای محل بوده ولی صادرکننده قبل از دریافت به وسیله دارنده وجه آن را به نحوی از بانک خارج کند.

-صادرکننده به بانک دستور عدم پرداخت بدهد.

-صادرکننده، چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا و خط خوردگی و غیره از پرداخت آن خودداری کند.

مجازات

طبق ماده ۷ قانون صدور چک بلامحل مستلزم سه نوع مجازات است:

-حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال.

-جریمه نقدی معادل یک چهارم وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی هنگام ارائه چک.

-ممنوعیت از داشتن چک برای مدت سه سال، در صورت صدور چک بی محل بیشتر از یک بار مشروط بر اینکه منجر به صدور کیفر خواست شده باشد.

اسناد در وجه حامل

تعریف سند در وجه حامل

-سند در وجه حامل سندی است که مشخصات دارنده روی آن درج نشده و قابل پرداخت حامل آن است.

بنابراین اصولاً وجه سند در وجه حامل باید به حامل پرداخت گردد مگر در موارد زیر:

-در صورت توقیف وجه از طرف پلیس یا مقامات قضایی.

-در صورت امتناع حامل از تسلیم سند در مقابل پرداخت.

در صورتی که عدم مالکیت دارنده سند نسبت به آن در دادگاه احراز گردد.

قراردادهای تجاری

تعریف دلالی

طبق ماده ۳۳۵ قانون تجارت : «دلالت کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.»

وظایف و حقوق دلالت

وظایف دلالت: با توجه به اینکه دلالت در حکم وکیل و امین است بنابراین وظایف دلالت همان وظایف امین است مع ذلک قانون به موارد خاصی به شرح زیر اشاره کرده است:

دلالت باید در کمال صداقت طرفین را از جزئیات معامله مطلع کند اگرچه فقط برای یک طرف دلالتی کند. تقصیر موجب مسئولیت اوست.

دلالت هیچیک از حقوق و تعهدات طرفین معامله را نمی تواند به عهده بگیرد مگر با اجازه نامه مخصوص.

دلالت مسئول تلف یا نقص اسناد و اشیایی است که در نزد اوست مگر اینکه بدون تقصیر او باشد.

دلالت، در صورتی که معامله از روی نمونه باشد، باید نمونه را تا ختم معامله نگه دارد.

دلالت ضامن صحت امضای طرفین معامله است در صورتی که اسناد معامله به وسیله او رد و بدل شده باشد.

دلالت ضامن اعتبار طرفین معامله، اجرای قرارداد نوع جنس یا ارزش آن نیست مگر اینکه تقصیر کند یا اینکه طرفین یا یکی از آنها به اعتبار او معامله کنند.

حقوق دلالت

دلالت می تواند در رشته های مختلف اشتغال به دلالتی داشته و خود نیز به امر تجارت بپردازد.

دلالت، به شرط اطلاع آمرین، می تواند برای چند نفر و در رشته های مختلف دلالتی کند.

دلال در صورتی می تواند حق دلالی را مطالبه کند که معامله به وساطت یا راهنمایی او انجام شده و در صورت وجود شرط، پس از حصول شرط.

دلال مستحق حق دلالی و هزینه های مقرر و متعارف است حتی اگر معامله فسخ شود در معاملات ممنوعه حق دلالی نیست.

حق العمل کاری (کمیسیون)

طبق ماده ۳۵۸: «جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثنا شده مقررات راجع به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.»

وظایف حق العمل کار

منظور از وظایف حق العمل کار کلیه اقداماتی است که وی باید برای حفظ مال و حفظ حقوق آمر در بهترین شرایط طبق قانون، قرارداد یا عرف انجام داد. تمام این موارد از پیش تعیین شده است مع ذلک موارد آن را قانون به شرح زیر تعیین کرده است:

حق العمل کار باید آمر را به موقع در جریان اقدامات خود قرار دهد.

در صورت دستور آمر، حق العمل کار، مکلف به بیمه اموال موضوع قرارداد است.

در صورت وجود عیوب ظاهر در کالا، حق العمل کار باید اقدامات لازمه را برای حفظ آن به عمل آورده و مراتب را به اطلاع آمر برساند.

در صورت بیمه فساد سریع مال التجاره می تواند شخصاً یا مکلفاً با اطلاع دادستان آن را به فروش برساند.

حق العمل کار می تواند، جز در صورت دستور خلاف به وسیله آمر، در صورت ماموریت به خرید یا فروش کالایی از طرف آمر.

اموری که حق العمل کار باید از انجام آنها خودداری کند

حدود این امور نیز محدود نیست و حق العمل کار باید از هر نوع اقدامی که به کالا و حقوق آمر لطمه می زند خودداری کند، مع ذلک بعضی موارد قانونی آن به شرح زیر است:

حق العمل کار حق ندارد مالی را به قیمتی کمتر از دستور آمر بفروشد، مگر ثابت کند، به منظور احتراز از ضرر بیشتر بوده است.

مابه التفاوت فروش بیشتر و خرید کمتر از قیمت معین شده به وسیله آمر متعلق به آمر است.

حق العمل کار حق فروش به نسیه یا با شرایط برخلاف نظر آمر و عرف محل را ندارد.

قائم مقام تجارتي و ساير نمايندگان تجارتي

بعضی مواقع وسعت کارهای تجارتي، یا ضعف و از کار افتادگی تاجر، ايجاب می کند که شخص دیگری به جای وی امور تجارتي را انجام دهد. در این صورت باید دانست اقدامات نماینده تاجر تا چه اندازه برای تاجر الزام آور است و او را متعهد می کند.

تعريف ضمانت

• ضمانت دو نوع است:

ضمانت مدني

ضمانت تجارتي

• ضمانت مدني

طبق ماده ۶۸۴ قانون مدني : «عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد.»

* منابع حقوق تجارت به چهار دسته تقسیم میشوند که عبارتند از :

۱. قوانین تصویب مجلس

۲. قانون مدني

۳. عرف و عادات و رسوم تجاري بين تاجر و شرکتهای تجاري

۴. دکتريں حقوقی به نظريات و مفسرين حقوق و رویه بين محاکم

* پانزده مورد که در قانون تجارت مورد بحث است عبارتند از :

۱- قانون ثبت شرکتهای مصوب ۲ خرداد ۱۳۱۱

۲- قانون ثبت علائم تجاري و اختراعات مصوب یک تيرماه ۱۳۱۰

۳- قانون تجارت مصوب سیزدهم اردیبهشت ۱۳۱۱

۴- قانون بیمه مصوب هفت اردیبهشت ۱۳۱۶